فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ٤، بهار ۹۷، صفحات ۸٦-٦۳

# بررسی عوامل مرتبط برگرایش نوجوانان به رفتارهای نو
# مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میبد[۱]

مهناز فرهمند[۲]، اکرم دهقانی فیروز آبادی[۳]، فاطمه دانافر[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

**چکیده**

معمولاً نسل نوجوان در شهرهای سنتی با دوگانگی جاذبه‌های زندگی مدرن و محدودیت‌های زندگی سنتی دست به گریبانند. بر همین مبنا، این مقاله درصدد واکاوی این مسئله است که چه عواملی برگرایش نوجوانان به رفتارهای نو در بین دختران دبیرستانی شهرستان میبد نقش داشته‌اند. تحقیق حاضر با تکنیک پیمایش و داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. جامعه‌ی آماری تحقیق، دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی شهرستان میبد بود. تعداد ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شد. گرایش به رفتارهای نو در چهار بعد تمایل به فعالیت‌های فراغتی مدرن، تمایل به مدیریت بدن، تمایل به رفتارهای کلامی نو و تمایل به ارتباط با جنس مخالف سنجیده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد متغیرهای فردگرایی، مادی‌گرایی، برابرگرایی جنسیتی، همنوایی با دوستان و نوگرایی والدین رابطه‌ی معناداری با میزان گرایش به رفتارهای نو داشتند. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای مستقل واردشده در مدل رگرسیون ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** نوجوانان؛ رفتارهای نو؛ فردگرایی؛ مادی‌گرایی.

---

[۱] تحقیق حاضر برآیند پایان نامه کارشناسی ارشد است.

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد(نویسنده‌ی مسئول) Farahmandmh@yahoo.com

[۳] دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد Jameemeybod@yahoo.com

[٤] دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد F.Dana71@yahoo.com

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**مقدمه و بیان مسئله**

جهان با یک شتاب تصاعدی شاهد شکل‌گیری دگرگونی‌های عمیق در بسیاری از ابعاد است. ماهیت پیچیده و سرعت تحولات جهانی به گونه‌ای است که شتاب فزاینده‌ی این نوشدن نسبت به دهه‌های قبل قابل مقایسه نیست. به تعبیر برخی از جامعه‌شناسان، مدرنیته زلزله‌ای است که همه ارکان هستی فلسفی – اجتماعی ما را دگرگون کرده است(پرستش، ۱۳۸۷: ۴۳).

حدود نیمی از جوانان و نوجوانان کشور ما را دختران تشکیل می‌دهند که چالش‌های مربوط به گذر از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن بیشترین سطح تحول و دگرگونی را در آنان ایجاد نموده است. فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطی نیز در دهه‌های اخیر به این مسئله دامن زده است. به نظر آلن تورن[1] یکی از مؤلفه‌های نوسازی در ایران، وضعیت زنان است که به سرعت در حال دگرگونی است (تورن، ۱۳۸۲: ۴۷).

دختران نوجوان، اکنون بیش از گذشته به دنبال شیوه‌ای از زندگی هستند که کمتر قید و بندهای سنتی را با خود داشته باشد، به ویژه این مسئله که روش زندگی والدین برای آن‌ها چندان الگوی از پیش تعیین‌شده نمی‌باشد. متناسب با تغییرات و نوسازی فرهنگی در جامعه، چیزی که امروز در بطن جامعه شاهد آن هستیم، شکل‌های نوینی از رفتار است که در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته معنا می‌یابد و به عنوان هنجارهای رقیب در کنار هنجارهای سنتی مطرح است که تجلی این الگوهای رفتاری نو در دختران نوجوان را می‌توان در حوزه‌های فعالیت‌های فراغتی، مدیریت بدن، استفاده از کلمات، اصطلاحات و زبان گفتار خاص در ارتباطات اجتماعی و ارتباط با جنس مخالف پیش از ازدواج، جستجو نمود. یکی از مهم‌ترین مصادیق رفتارهای نو را که توأم با رشد شهرنشینی و مدرنیته ظهور کرد می‌توان چگونگی گذران فراغت دانست(علوی‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۲). گیدنز[2] اصلی‌ترین ساخت تبلور مدرنیته را اوقات فراغت می‌داند (آزادارمکی و اکبری، ۱۳۹۱: ۱). همچنین با فرارسیدن دنیای مدرن، برخی از انواع نمادهای ظاهری و کردارهای بدنی، اهمیت خاص یافته‌اند. گیدنز بدن را جزئی از یک نظام کنش می‌داند و معتقد است بازتابندگی خود تا محدوده‌ی بدن نیز امتداد می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۸). نگرانی دخترها نسبت به بدنشان مشکلات زیادی را برای آن‌ها ایجاد کرده است و آن‌ها را به جراحی‌های زیبایی، تاتو[3]، ساکشن[4]، رژیم‌های

[1] Touraine.A
[2] Giddens.A
[3] Tattoo
[4] Suction

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

غذایی سختگیرانه و بدون نظارت پزشک سوق داده است. اکنون استفاده از صورت‌های واژگانی معیار در گفتار دختران نوجوان در حال رنگ باختن است (شاه‌ناصری، ۱۳۸۳: ۲۱۲). چرا که زبان نیز تحت تأثیر عواملی مانند صنعتی‌شدن، توسعه‌ی شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، دسترسی اطلاعاتی، تحولات اقتصادی و اجتماعی، جهانی‌شدن و مبادله‌ی اطلاعاتی ایران و جهان، گسترش آموزش عالی و توسعه‌ی زبان‌های دیگر و آمیخته‌شدن آن با زبان فارسی، دستخوش تغییرات گوناگونی شده است (اعتضادی و علمدار، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۷). همچنین روابط آزاد دختر و پسر پیش از ازدواج بدون درنظرگرفتن ابعاد شرعی در جامعه‌ی ما پدیده‌ای است نو که در هیچ دوره‌ای در کشور ما بدین گستردگی دیده نشده است.

فاصله‌گرفتن از منابع هویت‌ساز سنتی و روی‌آوردن به ارزش‌های مدرن مادی‌گرایی، فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و کم‌رنگ‌شدن اعتقادات و گرایش‌های مذهبی و اعتقاد به دگرگون‌کردن محیط خود در تضاد با ارزش‌های سنتی، از جمله عواملی است که باعث گرایش به رفتارهای نو شده است. نوجوانان، امروزه در نتیجه گسترش وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات در سطح جهانی در معرض ارزش‌ها و آشنایی با الگوهای فرهنگی بسیار متنوعی قرار می‌گیرند که به رفتارهایشان شکل متنوعی می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت که گروه‌های مرجع ایشان، بسیار متکثر شده است. ایشان، امروزه، هم از تاریخ و فرهنگ ریشه‌دار ایران تغذیه می‌شوند، و هم از پویایی و تحولات فرهنگ جهانی بهره می‌برند.

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه، گرایش و آمادگی روانی دختران نوجوانان برای انتخاب شیوه‌ی زندگی جدید و امروزی است. گرایش‌ها، حاکی از آمادگی روانی برای انجام رفتارند و پژوهشگران، آن را زمینه‌ی بروز رفتار می‌دانند. شناخت چگونگی شکل‌یابی، دوام و دگرگونی گرایش‌ها معادل با درک شرایطی است که بسیاری از رفتارها در آن پدید می‌آیند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

ما با تجربیات جدیدی از جوانی‌کردن روبه‌رو هستیم که تنوع آن شاید برنامه‌ریزی و سیاستگذاری را دشوار خواهد کرد. سرگردانی نوجوانان میان هنجارها و رفتارهای سنتی و مدرن، چالشی بزرگ است که می‌تواند آن‌ها را به بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی بکشاند. عمومیت شیوه‌های رفتاری نو در نوجوانان، می‌تواند کاهش محبوبیت چهره‌ی زن سنتی را به همراه داشته باشد. همچنین سبب می‌شود تا پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکاری نداشتند،

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

امروزه به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شوند(خواجه نوری و دل‌آور، ۱۳۹۲: ۴۲). بنابراین مسأله‌ی مهم، شناخت عواملی است که زمینه‌ی گرایش دختران نوجوان به الگوهای رفتاری نو می‌گردد.

در گذشته، در فضای سنتی شهرستان میبد، ویژگی‌های فرهنگی مذهبی و سنتی به چشم می‌خورد. شهر میبد در سال‌های اخیر دچار تحولات زیادی از جمله گسترش شهرنشینی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و توسعه حمل و نقل و ارتباطات شده است. به گونه‌ای که این شهر دارای امکانات مناسب زندگی، دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و شبکه‌ی معابر است (ذاکریان و پرهیزکار، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۸). هم‌اکنون شهروندان میبدی، با صنعتی‌شدن میبد، در معرض تغییرات حاصل از مدرنیته قرارگرفته و دستخوش دگرگونی‌های ارزشی و رفتاری هستند.

به نظر می‌رسد که بخش قابل توجهی از نوجوانان، به ویژه دختران در شهر میبد که فرهنگ مذهبی و بسیاری از عناصر سنتی خود را تا به امروز همچنان حفظ کرده، از فرهنگ سنتی خود فاصله گرفته و به سمت و سوی فرهنگ مدرن و رفتارهای نوگرایانه،گرایش پیدا کرده‌اند. مختصات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی این شهر کهن و ویژگی‌های جمعیتی و ارتباطی خاص آن سبب شده که ساکنان آن بیشتر از افراد دیگر در معرض گرایشات نوگرایانه قرار بگیرند. ایستادن در نیمه‌راه تجدد، برای دختران نوجوان میبدی که در دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت هستند، حالتی دوگانه داشته است؛ از طرفی آنان از سنت‌های محدودکننده، رها شده‌اند و از طرفی دچار تنش در زندگی خانوادگی شده و از محدودیت‌های اجتماعی، افکار مذهبی، کلیشه‌ها و تعصبات در زمینه‌ی حجاب و..... رنج می‌برند. اگر این تعارض و کشمکش ادامه پیدا کند و نتوانند نسبتی متعادل بین این دو برقرار نماید، این چالش در آن‌ها موجب بروز استرس و تضاد می‌شود و در نهایت شاید به شکلی افراطی به یک سو کشیده شود. بر همین اساس، هدف مقاله‌ی حاضر، بررسی میزان گرایش دختران دبیرستانی به رفتارهای نو و عواملی مرتبط بر گرایش دختران نوجوان مقطع متوسطه شهرستان میبد به رفتارهای نو است.

**پیشینه‌ی پژوهش**

در این بخش تحقیقات انجام‌شده در خصوص موضوع در دو قسمت تحقیقات داخلی و تحقیقات خارجی، مطرح می‌شود. ضمن بررسی‌های به‌عمل‌آمده پیرامون موضوع، پژوهش‌های متعددی در ارتباط با نوگرایی انجام شده است؛ اما تحقیقی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر رفتارهای نو،

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

انجام نشده است. بعضی مطالعات و تحقیقات به طور مستقیم و تعداد بیشتری پژوهش به طور غیر مستقیم، پیرامون وضعیت نوگرایی و عوامل مؤثر بر نوگرایی، انجام شده است که در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، اشاره می‌شود:

سفیری و همکاران(۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان، به این نتایج دست یافتند که حدود ۵۳ درصد از زنان به مدرنیته گرایش متوسط به بالا دارند که این درصد نشان دهنده‌ی وضعیت در حال گذار ایران از سنت به مدرنیته است. همچنین هرگاه میزان نوگرایی در ابعاد ریسک‌پذیری، جهت‌گیری علمی، پیشرفت‌گرایی، عام‌گرایی در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در زنان وجود داشته باشد، مؤید آن بوده که زنان سبک زندگی متفاوت‌تری را تجربه خواهند کرد.

دهقانی و همکاران(۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان نگرش سیاسی- اجتماعی نوگرایی دانشجویان و تأثیر خانواده و دانشگاه بر آن، به این نتایج دست یافتند که میزان نوگرایی دانشجویان در حد بالایی است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین الگوهای ارتباطی خانواده و نگرش سیاسی- اجتماعی نوگرایی دانشجویان رابطه‌ی معناداری وجود دارد درحالی که جهت‌گیری گفت و شنود رابطه‌ی مستقیم دارد، بعد همنوایی خانواده رابطه‌ی معکوس با نوگرایی دانشجویان داشته است. بین جنسیت و پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان نیز رابطه‌ی معناداری با نگرش سیاسی- اجتماعی نوگرا داشته‌اند.

محمدپناه و همکاران(۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه تجددگرایی و سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌های شهر سنندج، به این نتایج دست یافتند که با افزایش جهت‌گیری تساوی‌طلبانه، استقلال‌طلبانه، عام‌گرایانه، پیشرفت و مدنی، سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها کاهش و با افزایش جهت‌گیری علمی، میزان سرمایه‌ی اجتماعی آنان افزایش می‌یابد.

فرهمند و همکاران(۱۳۹۳) در بررسی خود با عنوان جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی، نشان دادند که شاخص گرایش به نوگرایی با بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان دارای ارتباط مستقیم و معناداری است؛ بنابراین هرچه ارزش‌های فرهنگی نو در بین افراد بالاتر می‌رود، بازاندیشی بیشتری در تعاملات جنسی آن‌ها صورت می‌گیرد.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

مهتا[1](۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان فرهنگ مصرفی و اختلال در مرزهای مذهبی-اجتماعی، تأثیر عمیق رسانه‌های مدرن در زنان مسلمان دهلی را در طول ۳۰ سال مؤثر بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نیز نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که زنان مسلمان مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده و سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند.

کاهله[2] وهمکارانش(۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان دین، دینداری و ارزش‌ها، دلایلی برای رفتار مصرف‌کننده، به این نتیجه رسیده‌اند که مذهب و تعصب مذهبی تأثیر معنی‌داری بر نگرش‌ها و رفتار مصرفی افراد دارد. یکی از دلایل تأثیرگذاربودن مذهب این است که افراد را به طور بالقوه از کودکی جامعه‌پذیر می‌کند و این جامعه‌پذیری بر هویت افراد و نحوه‌ی زندگی و رفتار مصرفی آن‌ها اثر می‌گذارد.

روی و ساها[3](۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان تغییر در ترجیحات زنان، یک مطالعه‌ی عمیق در سبک زندگی و سن، دریافتند که آنچه طرز لباس پوشیدن را در انتخاب فردی مشخص می‌کند، مدیریت بدن و ابراز هویت است. روندهای ترجیحات لباس در هند از قرن ۱۹ تا به امروز با کاست، سطح تحصیلات و شهرنشینی رابطه داشته است. امروزه زنان هندی لباس‌های گوناگون‌تری می‌پوشند و ترجیحات متنوع‌تری دارند. مطالعه در سبک زندگی نوجوانان نشان داد، هر نسل از نوجوانان، فرهنگ مخصوص به خود را دارد که به وسیله‌ی تم‌های غربی آشنا و ارزش‌های آن‌ها، فرهنگ ملی و تجربیات مشترک تاریخی شکل گرفته است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مطرح کرد که پژوهش‌هایی در مورد ابعاد متعدد رفتارهای نو و علل مرتبط با آن تحت عناوین مختلف انجام شده است که از درون آن‌ها اطلاعات مفیدی به دست آمده است. این پژوهش‌ها زمینه را برای بررسی پژوهش‌های پژوهشگران بعدی فراهم نموده و در زمینه‌ی موضوع پژوهش ایده‌ها و فرضیات جدید را پیش‌روی محققان قرار می‌دهد؛ اما در نگاه کلی می‌توان گفت که بررسی جامع در این زمینه به نوعی غایب است و به جنبه‌های اجتماعی و جامع این مسئله در تحقیقات پیشین توجهی نکرده‌اند و این نقص در اکثر پژوهش‌های انجام گرفته، دیده می‌شود.

[1] Mehta Shalina
[2] Kahle
[3] Roy and Saha

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**مبانی و چارچوب نظری پژوهش**

ارائه‌ی مبانی نظری برای تبیین چرایی وقوع یک پدیده، لازم و ضروری است. در این بخش از پژوهش، با توجه به موضوع، مروری بر نظریه‌های مرتبط خواهیم داشت و در پایان به ارائه‌ی مدل نظری که مبنای این پژوهش قرار خواهد گرفت، می‌پردازیم.

نوگرایی فرایند انتقال از ارزش‌های سنتی جامعه و گرایش به ارزش‌های نوین چون آزادی‌خواهی، عقلانیت و مردم‌سالاری است که با پدیده‌های شهرنشینی، آموزش توده‌ای، ارتباطات و تکنولوژی همراه است (جهانبگلو، ۱۳۸۱: ۴۲). شارما [1]در نظریه‌اش پیرامون نوگرایی، بر عواملی مانند جهت‌گیری‌های علمی و تساوی‌طلبانه، پیشرفت، جهت‌گیری استقلال‌طلبانه و جهت‌گیری دموکراتیک تاکید کرده است. در مفهوم نوگرایی و نوسازی، شارما به رشد در ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی توجه کرده است. رشد در مشخصات روانی، ایده‌ی رضایت از زندگی را شامل می‌شود که میان اهداف زندگی مادی و غیر مادی و میان ارزش‌های ابزاری و سنتی جامعه تعادل برقرار می‌کند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۷۵). شارما جامعه‌ی مدرن را یک جامعه‌ی عقلانی می‌داند که عقلانیت در تمام سطوح گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد و به شیوه‌های کارآمدتری در زندگی رهنمون می شود(صدیقیان بیدگلی و روزی بیدگلی، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

به نظر راجرز[2] ، فرایند قبول اندیشه‌ی نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیم‌گیری درباره‌ی آن است، در پنج مرحله عینیت می‌یابد: ۱-آگاهی ۲-علاقه ۳-ارزشیابی ۴-آزمایش ۵-قبول آن اندیشه نو. به باور وی، کسانی که اندیشه نو را می پذیرند، هر یک از این مراحل را نیز با سرعت پشت سر می‌گذارند. به نظر او افرادی که خیلی زود تغییر می‌کنند یا رویه‌ی جدیدی را می‌پذیرند، از سایرین جوانترند، پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند. دست‌اندرکار امور تخصصی بوده و به لحاظ توانمندی‌های ذهنی نسبت به دیرپذیرندگان قدرتمندترند. از جنبه ارتباطی، بیشتر از رسانه‌های جمعی و منابع اطلاعاتی جهانی استفاده می‌کرده‌اند و مناسبات اجتماعی کسانی که زودتر به نوآوری تن داده‌اند، جهانی‌تر از دیرپذیرندگان بوده و خصوصیت و قدرت رهبری فکری هم در آن‌ها بالاتر از گروه دیرپذیرنده بوده است(ملکات، ۱۳۸۴: ۵۰). وی

[1] Sharma
[2] Rogers

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

معتقد است عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها عناصری کلیدی برای فهم رفتار به شمار می‌آیند(زارع شاه‌آبادی، حاجی‌زاده میمندی و کرم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

لرنر[1] معتقد است که توسعه و نوسازی یک فرایند عالمگیر است. جامعه‌ی سنتی رو به اضمحلال دارد و سنت در برابر روح منطق‌گرا و اثباتی بی‌دفاع است(لرنر، ۱۹۵۸: ۱-۹۹). اندیشه‌ی لرنر در چارچوب نظریه‌ی اشاعه‌ی فرهنگی است، به این معنی که با بسط و نشر عناصر فرهنگی جوامع مدرن در کشورهای جهان سوم، آمادگی روانی و اجتماعی برای پذیرش عناصر فرهنگی جدید و ایفای نقش مؤثر در این رابطه فراهم می‌شود. لرنر به این نتیجه می‌رسد که همراه با ورود تسهیلات شهری، بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقاء سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت نگرش و باورهای انسان‌های جهان سوم تغییر می‌کند و اندیشه‌ی آنان نیز مدرن می‌شود. نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه‌ی سنتی، دگرگونی در نگرش‌ها و باورهای مردم را در پی دارد. یکی از شاخص‌های این نگرش جدید، وجود همدلی و بروز شخصیت انتقالی در افراد است، به این معنی که شخص این توانایی را در خود می‌بیند که خود را به جای دیگری بگذارد و به کنش مثبت و سازنده با دیگران بپردازد(ازکیا وغفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

از دیدگاه هیگن[2]، برای گذار از جامعه‌ی سنتی بسته و ساده به جامعه‌ی صنعتی و پیشرفته و دست‌یابی به رشد و توسعه‌ی اقتصادی، به شخصیت نوآور و نوپذیر، آینده‌نگر، باز و پویا، خلاق و مبتکر، ریسک‌پذیر و آزمون‌طلب نیاز است. در واقع همین ساختار نوین شخصیتی عامل اصلی و اساسی نوسازی است(نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۷۴-۱۷۵). هرگاه الگوی پرورش همراه با اطاعت محض، تقلید، تنبیه‌های سخت بدنی، محرومیت و محدویت‌های افراطی بوده باشد، به شخصیت استبدادی می‌انجامد. در مقابل، اگر این الگو مبین و مولد احترام و اعتماد به کودک، تشویق و پاداش، فراهم‌سازی زمینه‌ی تجربه و آزمون برای کودک بوده باشد، برآیندش شخصیت نوپذیر، پویا و آینده‌نگر می‌باشد که بنیاد و اساس نوسازی را می‌سازد(همایون مصباح، ۱۳۸۸: ۲۵۳). بنابراین، از دیدگاه هیگن، برای تغییر جامعه سنتی باید شخصیت برخی گروه‌ها تغییر یابد و احتیاجات، ارزش‌ها و شناخت‌ها دگرگون شوند. جامعه‌ی پیشرفته نیاز به شخصیت نوآور و نوپذیر دارد که این شخصیت، محصول و معلول پرورش دوران کودکی، به ویژه در محیط خانواده است.

[1] Lerner
[2] Hagan

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

گیدنز[1] بازاندیشی را ویژگی معرّف هرگونه کنش انسانی می‌داند(گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۵). به نظر وی در زندگی اجتماعی مدرن، بازاندیشی، دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی، پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آن‌ها، اصلاح و پیوسته دگرگون می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷-۵۵). گیدنز، معتقد است ماهیت بازتابی و تأملی مدرنیته، خود و بدن فرد را با نظام‌هایی به مقیاس جهانی مرتبط می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۰۰). مطابق نظر گیدنز شیوه‌ی زندگی به صورت عملکردهای روزمره در پوشش، خوراک، طرزکار، رفتارهای خاص هر محیط و... جلوه‌گر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). به نظر وی، چگونگی گذران اوقات فراغت و توجه مداوم به چگونگی توسعه کمی و کیفی بدن، عملاً جزء تفکیک‌ناپذیری از رفتار اجتماعی مدرن را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۵۱). همچنین، از نظر گیدنز، محیط خانوادگی عامل قطعی مؤثر در ایجاد شرایط سازنده‌ای است، که ارزش‌ها و گرایش‌های شخص را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این فرایند در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه انجام می‌پذیرد؛ ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است مدل‌های ناخواسته را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان، یعنی زمانی که به بلوغ و دوره‌ی جوانی می‌رسند، فراهم سازد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۵). گیدنز همچنین خاطر نشان می‌کند که والدین به واسطه‌ی قدرتشان به درجات متفاوت قواعد رفتار را به فرزندانشان تحمیل می‌کنند. بر عکس در گروه همسالان، کودک زمینه‌ی کنش متقابل متفاوتی را کشف می‌کند که در آن می‌توان قواعد رفتار را مورد آزمون و کاوش قرار داد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۰). وی معتقد است، گزینش یا ایجاد شیوه‌های زندگی تحت تأثیر فشارهای گروه و الگوهای رفتاری آن‌ها و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

اینکلس[2] در خصوص تحقق ویژگی‌ها و معیارها و در نهایت ساختن انسان مدرن به عواملی چون آموزش و پرورش، محیط شهری، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی و دستگاه‌های اداری و احزاب سیاسی و محیط کار اشاره می‌کند. اینکلس برای شخصیت نوگرا و متجدد خصوصیاتی چون پذیرش تجربه‌های جدید، آمادگی برای تغییر اجتماعی، قلمرو رشد عقیده، اطلاعات، زمان، کارآیی، برنامه‌ریزی، محاسبه‌پذیری یا اعتماد، ارزش مهارت فنی، آرزوها، آموزشی و اشتغالی،

[1] Giddens
[2] Enkeles

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

آگاهی از مقام دیگران و احترام به آن، درک تولید، خاص‌گرایی و خوش بینی(اینگلس، ۱۹۷۶: ۲۴) را برمی‌شمارد که در میان همه‌ی شخصیت‌ها و یا انسان‌های نوگرا، در هر کجا که باشند، مشترک می‌باشد.

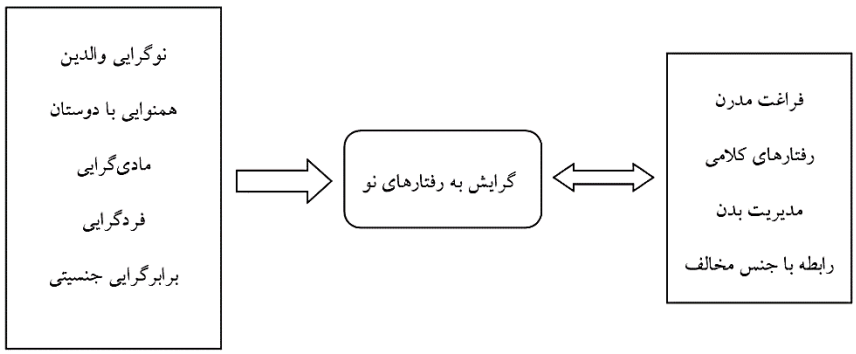
اینگلهارت [1] سیر تطور و تکامل جوامع را همانند بسیاری از نظریه‌پردازان مدرنیزاسیون، سنتی، مدرن و پست مدرن می‌داند؛ ارزش‌های اجتماعی و مذهبی سنتی ارزش‌های فردی غالب در جامعه‌ی سنتی هستند و در گذار جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن جای خود را به انگیزه‌ی پیشرفت و ترقی می‌دهند. به دنبال آن با گذر از جامعه‌ی مدرن به جامعه‌ی پست‌مدرن انگیزه‌ی پیشرفت، در مقام ارزش غالب دوره‌ی مدرنیزاسیون، جای خود را به ارزش‌های فرامادی و غیرفیزیولوژیک می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۷۸). به نظر اینگلهارت (۱۹۷۷) در جوامع مدرن، ارزش‌های اجتماعی و مذهبی سنتی جای خود را به ارزش‌های قانونی، عقلانی و انگیزه‌ی پیشرفت می‌دهند و فردگرایی ارزش است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۷۰). به نظر وی، در جامعه‌ی صنعتی، ظهور نظام ارزشی مادی‌گرایانه نه فقط انباشت ثروت را روا داشته، بلکه آن را به مثابه‌ی امری ستودنی و قهرمانانه تشویق می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۱-۳۳). اینگلهارت، خانه‌نشینی زنان و یا منع شدید روابط جنسی آزاد را از معیارهای رایـج در جوامع سنتی غربی و غیرغربی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۲۴).

در این پژوهش، پس از مطالعه‌ی نظریات متفاوت، از افکار گیدنز به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است و آرای هیگن، اینگلهارت، ریسمن، دیووار و راجرز نیز همسو با رویکرد گیدنز جمع‌بندی مناسبی برای مباحث نظری نوگرائی برای تحقیق حاضر فراهم می‌سازد. بر اساس نظرات گیدنز و اینگلهارت به موازات توسعه‌ی نوگرائی و مدرنیته ارزش‌ها، ایده‌ها و رفتار تحت تأثیر قرار می‌گیرد که تجلی آن را می‌توان در حوزه‌های مدیریت بدن، فعالیت‌های فراغتی، شیوه‌ی سخن‌گفتن (کلام) و نحوه‌ی تعاملات و تعامل با جنس مخالف جستجو نمود که به زعم گیدنز، ریسمن، دبووار و اینگلهارت در این اوضاع، حرکتی به سمت فردگرایی، مادی‌گرائی، استقلال و تمایلات برابرطلبی و آزادی مشاهده می‌شود که با افزودن بر حق انتخاب بشر، نقش مهمی در تغییرات و تحولات رفتاری ایفـا می‌کنند و مردم ناچارند خویشتن خویش را فعالانه بسازند و هویت‌های خویش را بنا کنند.

[1] Inglehart

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

از نظر گیدنز، هیگن، اینگلهارت نیز، محیط خانوادگی و گروه دوستان عامل مؤثر در ایجاد شرایط سازنده‌ای است که ارزش‌ها و گرایش‌های شخص را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این فرآیند در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه انجام می‌پذیرد؛ ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. والدین به واسطه‌ی قدرتشان به درجات متفاوت قواعد رفتار را به فرزندانشان تحمیل می‌کنند. در گروه همسالان نیز، کودک زمینه‌ی کنش متقابل متفاوتی را کشف می‌کند که در آن می‌توان قواعد رفتار را مورد آزمون و کاوش قرار داد. راجرز نیز، سن را از متغیرهای تاثیرگذار در پذیرش مولفه‌های نوپدید مطرح می‌کند و معتقد است افرادی که خیلی زود تغییر می‌کنند یا رویه‌ی جدیدی را می‌پذیرند، از سایرین جوانترند. با توجه به پیشینه‌های نظری و تجربی در این تحقیق مدل زیر استخراج شده است:




**نمودار شماره‌ی یک- الگوی نظری پژوهش**

**فرضیه‌های پژوهش**

با توجه به پیشینه‌های نظری و تجربی مورد بررسی، فرضیه‌های زیر استخراج شده است:

۱- بین فردگرایی و گرایش دختران به رفتارهای نو رابطه وجود دارد.

۲- بین مادی‌گرایی و گرایش نوجوانان به رفتارهای نو رابطه وجود دارد.

۳- بین برابرگرایی جنسیتی و گرایش نوجوانان به رفتارهای نو رابطه وجود دارد.

۴- بین همنوایی با دوستان و گرایش نوجوانان به رفتارهای نو رابطه وجود دارد.

۵- بین نوگرایی والدین و گرایش نوجوانان به رفتارهای نو رابطه وجود دارد.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**روش پژوهش**

پژوهش حاضر با تکنیک پیمایش انجام شده است، ضمن اینکه برای تدوین ملاحظات نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش اسنادی بهره گرفته شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی دوم شهرستان میبد در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، مدارس دولتی(عادی، نمونه و شاهد)؛ پایه‌های اول، دوم، سوم، چهارم رشته‌های عمومی، علوم انسانی، علوم تجربی، ریاضی- فیزیک، فنی- حرفه‌ای و کاردانش با دامنه‌ی سنی ۱۵ تا ۱۹ سال بودند که براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ نمونه به دست آمد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع طبقه‌ای متناسب است که براساس نسبت‌هایی که هر رشته تحصیلی در کل جمعیت داشت، سهم متناسب با آن را نیز دریافت کرد. بر اساس آمار تعداد مدارس، جمعیت و کلاس‌بندی آن‌ها و با توجه به تعداد نمونه‌ی محاسبه‌شده برای هر رشته، چند کلاس به طور تصادفی انتخاب شد و مطالعه روی تمامی دانش‌آموزان آن‌ها صورت گرفت.

**جدول شماره‌ی یک- حجم نمونه و تعداد پرسش‌نامه برای هر رشته**

| رشته‌ی تحصیلی | تعداد کل کلاس‌ها | تعداد نمونه | تعداد کلاس انتخابی |
|---|---|---|---|
| عمومی | ۲۲ | ۱۲۲ | ۵ |
| علوم انسانی | ۱۹ | ۸۲ | ۴ |
| ریاضی- فیزیک | ۴ | ۱۶ | ۱ |
| علوم تجربی | ۲۱ | ۹۹ | ۴ |
| فنی حرفه‌ای و کاردانش | ۱۷ | ۶۵ | ۴ |
| جمع کل | ۸۳ | ۳۸۴ | ۱۸ |

ابزار مورد استفاده در این مطالعه پرسش‌نامه است و برای اطمینان از صحت و اعتبار سوالات، پس از آزمون مقدماتی و رفع اشکال و نواقص، پرسش‌نامه در بین جمعیت نمونه تکمیل شد. اعتبار و روایی شاخص‌ها مبتنی بر اعتبار صوری است. در واقع اعتبار صوری بر مبنای داوری و قضاوت متخصصان است. بدین منظور شاخص‌ها مورد ارزیابی متخصصان قرار گرفت. بررسی روایی گویه‌های شاخص اصلی تحقیق با استفاده از پایایی درونی انجام گرفته است. برای این منظور از تکنیک ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج نشان‌دهنده‌ی همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق است.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها**

**فردگرایی**[1] گرایش فرد به مستقل و منحصربه‌فردبودن، نتیجه‌گرا و رقابت‌جوبودن را نشان می‌دهد. برای عملیاتی‌کردن این متغیراز مقیاس فردگرایی- جمع‌گرایی اوکلند، که به وسیله‌ی شولروف و همکاران(۲۰۱۱)، ساخته شده است، در سه بعدرقابت‌جویی، منحصربه‌فردبودن و زندگی مسوولیت‌پذیر استفاده شد. این پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه نمره‌گذاری شد. تعداد گویه‌های این متغیر از ۱۱ گویه تشکیل شده است. آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۷۸۸ بود.

***مادی‌گرایی***[2] پدیده‌ای است که بیان می‌کند افراد مالکیت مادی(پول، ثروت، ماشین، خانه و...) را در زندگی‌شان اصل قرار می‌دهند و آن را کلید خوشبختی می‌دانند (پادوشن، ۲۰۱۱: ۷) برای عملیاتی‌کردن این متغیراز مقیاس نگرش مادی‌گرایانه ریچیننز (۱۹۹۹) استفاده شده است. این متغیر با سه مؤلفه‌ی موفقیت، مرکزیت و شادی و ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شد و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۸۳۷ بود.

**برابرگرایی جنسیتی** به معنی باور به برابری مرد و زن است. این مفهوم بر اساس نگرش نسبت به نظام نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی سنتی سنجیده می‌شود(سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۱۸). در این پژوهش برابری‌گرایی جنسیتی بر اساس دو بعد برابری جنسیتی در عرصه‌ی خصوصی(انجام کارهای خانه، حق انتخاب همسر و طلاق) و برابری جنسیتی در عرصه‌های اجتماعی، بر اساس سنجه‌ی سراج‌زاده برابری‌گرایی جنسیتی و جواهری(۱۳۸۵) سنجیده شد. برابرگرایی جنسیتی، در یک طیف پنج قسمتی با ۹ گویه اندازه‌گیری شد و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۷۰۲ بود.

**همنوایی**[3] با دوستان **به** فرایندی است که طی آن، شخص احساس فشار خیالی یا واقعی از سوی گروه نسبت به خودش کرده و در نتیجه، رفتار خویش را تغییر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۶۲). این متغیر با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته با ۸ گویه در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم ارائه گردید و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۷۰۹ بود.

**نوگرایی** به خردباوری و تلاش برای بخردانه‌کردن هر چیز، شکستن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سرنهادن ارزش‌ها، حس‌ها و باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و

[1] Individualism
[2] Materialism
[3] Conformity

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

فکری زندگی کهن است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱). میزان نوگرایی والدین در سه بعد نگرشی، کنشی و مصرفی با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر با ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم برای بعد نگرشی و طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد برای بعد کنشی و مصرفی ارائه گردید و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۷۲۰ بود.

**گرایش به رفتارهای نو،** هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی باشد، رفتار نامیده می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۵۴). منظور از رفتارهای نو، شکل‌های نوینی از رفتار است که در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و بر اساس روابط اجتماعی حاکم بر غرب معنا می‌یابد و به عنوان هنجارهای رقیب در کنار هنجارهای سنتی مطرح است. گرایش به رفتارهای نو در سطح کنشی و با شاخص‌های گرایش به رفتارهای فراغتی نو با آلفا کرونباخ ۰/۸۴۴، گرایش به مدیریت بدن با آلفا کرونباخ ۰/۸۴۹ ، گرایش به رفتارهای کلامی نو با آلفا کرونباخ ۰/۷۰ و گرایش به ارتباط با جنس مخالف با آلفا کرونباخ ۰/۷۶۵ و با استفاده از مقیاس ۵۶ ماده‌ای محقق ساخته، سنجیده شده است. این متغیر در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی ارزش‌گذاری شده است.

## یافته‌های پژوهش

### ۱.تحلیل توصیفی

در تحقیق حاضر، دامنه‌ی سنی دختران پاسخگو، ۱۵-۱۹ سال است. از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۳۳/۱ درصد در سن ۱۶ سال و یک درصد در سن ۱۹ سال قرار دارند.

**جدول شماره‌ی دو- تحلیل توصیفی پراکندگی عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای نو**

| متغیرهای مستقل | میانگین | انحراف معیار | دامنه تغییرات | حداقل نمره | حداکثر نمره | میانگین رتبه‌ای |
|---|---|---|---|---|---|---|
| فردگرایی | ۳۶/۳۱ | ۷/۲۵۳ | ۳۷ | ۱۸ | ۵۵ | ۳/۳۰ |
| مادی گرایی | ۴۳/۳۱ | ۹/۲۸۲ | ۲۴ | ۶ | ۳۰ | ۲/۶۲ |
| برابرگرایی جنسیتی | ۳۱/۰۱ | ۵/۹۸۰ | ۳۰ | ۱۴ | ۴۴ | ۳/۴۴ |
| همنوایی با دوستان | ۲۴/۱۵ | ۵/۳۷۹ | ۳۲ | ۸ | ۴۰ | ۳/۰۲ |
| نوگرایی والدین | ۲۸/۶۹ | ۶/۶۶۷ | ۴۳ | ۱۳ | ۵۶ | ۲/۳۹ |

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان فردگرایی پاسخگویان، با توجه به میانگین ۳۶/۳۱ و دامنه‌ی ۱۸(کمترین داده) و ۵۵(بیشترین داده)، بالاتر از حد متوسط است. در این پژوهش، میانگین مادی‌گرایی پاسخگویان، ۴۳/۳۱ و کمترین و بیشترین مقدار ۱۷و ۷۰ است. گرایش به مادی‌گرایی در پاسخگویان، پایین‌تر از حد متوسط هست. متغیر برابرگرایی جنسیتی با میانگین ۳۱/۰۱ در دامنه ۱۴ تا ۴۴ نشان می‌دهد که برابرگرایی جنسیتی در پاسخگویان بالاتر از حد متوسط است. پاسخگویان از نظر میزان همنوایی با دوستان، با توجه به میانگین ۲۴/۱۵ و دامنه‌ی ۸ تا ۴۰ در حد متوسط قرار دارند و همچنین میانگین نوگرایی والدین پاسخگویان، ۲۸/۶۹ و کمترین و بیشترین مقدار ۱۳ و ۵۶ است. بنابراین نوگرایی والدین پاسخگویان در سطحی پایین‌تر از متوسط قرار دارند.

**جدول شماره‌ی سه- تحلیل توصیفی ابعاد گرایش به رفتارهای نو**

| ابعاد | میانگین | انحراف معیار | دامنه تغییرات | حداقل نمره | حداکثر نمره | میانگین رتبه‌ای |
|---|---|---|---|---|---|---|
| گرایش به فعالیت‌های فراغتی نو | ۷۸/۹۰ | ۱۵/۴۰۲ | ۷۷ | ۴۱ | ۱۱۸ | ۳/۳۲ |
| گرایش به مدیریت بدن | ۴۷/۵۹ | ۱۵/۰۹۵ | ۷۴ | ۲۲ | ۹۶ | ۲/۴۸ |
| گرایش به رفتارهای کلامی نو | ۱۳/۰۷ | ۵/۰۲۵ | ۲۰ | ۵ | ۲۵ | ۲/۶۱ |
| گرایش به ارتباط با جنس مخالف | ۷/۸۵ | ۳/۸ | ۲۲ | ۶ | ۲۸ | ۱/۳۱ |
| گرایش به رفتارهای نو(شاخص کل) | ۱۴۷/۴۲ | ۳۲/۰۵۳ | ۱۷۷ | ۷۷ | ۲۵۴ | ۲/۷۴ |

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که گرایش به فعالیت‌های فراغتی نو(۷۸/۹۰) در میان دانش‌آموزان مورد مطالعه، بیشتر از حد متوسط، گرایش به مدیریت بدن(۴۷/۵۹) کمتر از حد متوسط، گرایش به رفتارهای کلامی نو(۱۳/۰۷) کمتر از متوسط، گرایش به ارتباط با جنس مخالف(۷/۸۵) کمتر از متوسط است. بنابراین به طور کلی میانگین گرایش به رفتارهای نو(۱۴۷/۴۲) در میان دانش‌آموزان مورد مطالعه، کمتر از حد متوسط است.

در ادامه برای تعیین آزمون‌های آماری تحقیق، آمار کالموگروف اسمیرونف[1] ارائه شده است. همان طور که در جدول شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود آزمون کالموگروف اسمیرنف برای متغیرهای فردگرائی، مادی‌گرائی، برابرگرائی جنسیتی، همنوائی با دوستان، نوگرائی والدین و رفتارهای نو با

[1] One-Sample Kolmogorov-Smirnov

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ معنادار نیست. بنابراین متغیرهای تحقیق نرمال هستند. بنابراین، آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تکنیک‌های آماری آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون، بررسی و ارزیابی خواهیم کرد.

**جدول شماره‌ی چهار- آزمون کالموگروف اسمیرنف**

| متغیرهای تحقیق | | آزمونk-s | Sig |
|---|---|---|---|
| گرایش به رفتار نو | متغیر وابسته | ۰/۰۴۷ | ۰/۰۸۵ |
| فردگرایی | متغیر مستقل | ۰/۰۴۸ | ۰/۰۹۴ |
| مادی‌گرایی | متغیر مستقل | ۰/۰۴۷ | ۰/۰۷۸ |
| برابرگرایی جنسیتی | متغیر مستقل | ۰/۰۵۷ | ۰/۰۵۵ |
| همنوایی با دوستان | متغیر مستقل | ۰/۰۶۶ | ۰/۱۲ |
| نوگرایی والدین | متغیر مستقل | ۰/۰۹۳ | ۰/۰۶ |

## یافته‌های استنباطی

**جدول شماره‌ی پنج- ماتریس همبستگی بین فردگرایی و گرایش به رفتارهای نو**

| متغیروابسته / متغیر مستقل | فعالیت‌های فراغتی نو | مدیریت بدن | رفتارهای کلامی نو | ارتباط با جنس مخالف | رفتارهای نو (شاخص کلی) |
|---|---|---|---|---|---|
| رقابت‌جویی | ۰/۲۸۰** | ۰/۲۴۶** | ۰/۱۹۰** | -۰/۰۶۶ | ۰/۲۷۲** |
| منحصربه‌فرد | ۰/۴۴۹** | ۰/۳۹۳** | ۰/۳۵۳** | ۰/۱۰۶* | ۰/۴۶۹** |
| مسئولیت | ۰/۲۳۸** | ۰/۰۷۲** | ۰/۱۰۸** | ۰/۰۲۹ | ۰/۱۶۹** |
| فردگرایی | ۰/۴۴۴** | ۰/۳۴۰** | ۰/۳۰۹** | ۰/۰۴۵ | ۰/۴۲۷** |

**. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ *. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

با توجه به جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد تمام ابعاد متغیر فردگرایی با ابعاد مختلف گرایش به رفتارهای نو به جز بعد ارتباط با جنس مخالف دارای رابطه‌ی معنی‌دار در سطح معنی‌داری ۹۹٪ است. هر چه میزان فردگرایی افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

**جدول شماره‌ی شش- ماتریس همبستگی بین مادی‌گرایی و گرایش به رفتارهای نو**

| متغیر وابسته / متغیر مستقل | فعالیت‌های فراغتی نو | مدیریت بدن | رفتارهای کلامی نو | ارتباط با جنس مخالف | رفتارهای نو (شاخص کلی) |
|---|---|---|---|---|---|
| موفقیت | ۰/۳۱۱** | ۰/۴۴۷** | ۰/۳۲۰** | ۰/۲۲۵** | ۰/۴۳۷** |
| مرکزیت | ۰/۳۴۱** | ۰/۳۸۸** | ۰/۳۳۰** | ۰/۰۰۱ | ۰/۳۹۹** |
| شادی | ۰/۲۶۴** | ۰/۳۲۰** | ۰/۲۱۹** | ۰/۱۲۲* | ۰/۳۲۶** |
| مادی‌گرایی | ۰/۳۸۲** | ۰/۴۹۵** | ۰/۳۶۹** | ۰/۱۶۹** | ۰/۴۹۵** |

**. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ *. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که بین متغیر مادی‌گرایی و ابعاد آن با گرایش به رفتارهای نو در سطح معنی‌داری ۹۹٪ رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون پیرسون نشان داد که هر چه میزان مادی‌گرایی افراد افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

**جدول شماره‌ی هفت- ماتریس همبستگی بین برابرگرایی جنسیتی و گرایش به رفتارهای نو**

| متغیروابسته / متغیر مستقل | فعالیت‌های فراغتی نو | مدیریت بدن | رفتارهای کلامی نو | ارتباط با جنس مخالف | رفتارهای نو (شاخص کلی) |
|---|---|---|---|---|---|
| برابرگرایی خصوصی | ۰/۱۴۰** | ۰/۲۰۹** | ۰/۱۵۸** | ۰/۱۹۱** | ۰/۲۱۳** |
| برابرگرایی اجتماعی | ۰/۳۴۳** | ۰/۲۴۱** | ۰/۳۱۶** | ۰/۰۳۴ | ۰/۳۳۲** |
| برابرگرایی جنسیتی | ۰/۳۲۳** | ۰/۲۶۷** | ۰/۳۰۸** | ۰/۰۹۶ | ۰/۳۴۱** |

**. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که بین متغیر برابرگرایی جنسیتی و ابعاد آن با گرایش به رفتارهای نو رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هر چه میزان برابرگرایی جنسیتی، در افراد افزایش یابد، گرایش به رابطه با رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

**جدول شماره‌ی هشت- ماتریس همبستگی بین همنوایی با دوستان با ابعاد گرایش به رفتارهای نو**

| متغیروابسته / متغیر مستقل | فعالیت‌های فراغتی | مدیریت بدن | رفتارهای کلامی نو | ارتباط با جنس مخالف | رفتارهای‌نو (شاخص کلی) |
|---|---|---|---|---|---|
| همنوایی با دوستان | ۰/۱۵۷** | ۰/۲۴۶** | ۰/۲۲۷** | ۰/۰۶۵** | ۰/۲۳۴** |

**. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که بین متغیر همنوایی با دوستان و گرایش به رفتارهای نو رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هر چه میزان همنوایی با دوستان در افراد، افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**جدول شماره‌ی نه- ماتریس همبستگی بین نوگرایی والدین با ابعاد گرایش به رفتارهای نو**

| متغیروابسته / متغیر مستقل | فعالیت‌های فراغتی نو | مدیریت بدن | رفتارهای کلامی نو | ارتباط با جنس مخالف | رفتارهای نو (شاخص کلی) |
|---|---|---|---|---|---|
| نگرشی | ۰/۰۴۵ | ۰/۰۰۹ | ۰/۰۹۹ | - ۰/۰۶۰ | ۰/۰۳۴ |
| کنشی | ۰/۳۵۱** | ۰/۳۹۹** | ۰/۲۰۴** | ۰/۲۶۹** | ۰/۴۲۰** |
| مصرفی | ۰/۳۵۳** | ۰/۴۵۷** | ۰/۳۳۳** | ۰/۰۸۴ | ۰/۴۴۷** |
| نوگرایی والدین | ۰/۳۳۸** | ۰/۳۸۸** | ۰/۲۹۵** | ۰/۱۲۲* | ۰/۴۰۶** |

**. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ *. معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

یافته‌های جدول ۹ نشان می‌دهد که بین متغیر نوگرایی والدین با گرایش به رفتارهای نو و ابعاد آن رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. تمام ابعاد نوگرایی والدین، به جز بعد نگرشی، با گرایش به رفتارهای نو و ابعاد آن رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارند. در این میان، بعد مصرفی با بعد ارتباط با جنس مخالف دارای رابطه‌ی معنی‌داری نیست. هر چه میزان نوگرایی والدین، در ابعاد کنشی و مصرفی، افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

## تحلیل چند متغیره

برای تبیین بیشتر متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در این روش به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل از روش گام به گام استفاده شده است. از مجموع متغیرهای واردشده در معادله‌ی رگرسیون، ۵ متغیر مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیون، فردگرایی، مادی‌گرایی، برابرگرایی جنسیتی و نوگرایی والدین در مجموع بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به رفتارهای نو در نوجوانان داشته‌اند. مادی‌گرایی و فردگرایی در بین متغیرهای تحقیق، بیشترین تأثیر مستقیم را بر گرایش به رفتارهای نو دارند. ضریب تعیین بیانگر این است که حدود ۴۰ درصد از واریانس گرایش به رفتارهای نو توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیون تبیین می‌شود. با توجه به مقدار(F=۵۰/۷۹۲) و(سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰) در آزمون تحلیل واریانس معنی‌داربودن مدل نیز مشخص شد. میزان دو آماره تولرانس و عامل تورم واریانس نیز نشان می‌دهد که اطلاعات مرتبط به متغیرها در وضعیت مطلوب است و داده‌ها از استقلال نسبی برخوردارند و رگرسیون برای پیش‌بینی مناسب است.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**جدول شماره‌ی ده- نتایج رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان گرایش به رفتارهای نو**

| متغیرهای مستقل | ضرایب استاندارد نشده | | ضرایب استانداردشده (Beta) | آزمون t | سطح معنی‌داری | آماره‌های هم خطی | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | B | خطای معیار | | | | تولرانس | عامل تورم واریانس |
| مقدار ثابت | ۰/۵۹۸ | ۱۰/۰۳ | | ۰/۰۶ | ۰/۰۵۲ | | |
| فردگرایی | ۱/۱۴۰ | ۰/۱۹۱ | ۰/۲۵۸ | ۵/۹۶۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۴۴ | ۱/۱۸۵ |
| مادی‌گرایی | ۰/۹۸۰ | ۰/۱۶۴ | ۰/۲۸۴ | ۵/۹۶۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۹۸ | ۱/۴۳۳ |
| برابرگرایی جنسیتی | ۰/۶۶۲ | ۰/۲۳۳ | ۰/۱۲۴ | ۲/۸۴۰ | ۰/۰۰۵ | ۰/۸۳۶ | ۱/۱۸۱ |
| نوگرایی والدین | ۱/۰۵۷ | ۰/۲۰۸ | ۰/۲۲۰ | ۵/۰۸۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۴۷ | ۱/۱۹۶ |

| ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب‌تعیین | ضریب همبستگی چندگانه |
|---|---|---|
| **۰/۳۹٤** | ۰/۴۰۲ | ۰/۶۳۴ |

## بحث و نتیجه‌گیری

جامعه‌ی ایران در پنج دهه‌ی اخیر، همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بوده و از این طریق، با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ی مساعدی برای بروز تغییراتی در گرایشات و رفتارهای افراد قشر نوجوان به خصوص دختران، ایجاد شده است (اعتضادی و علمدار، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۷). در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی تجربی عوامل مؤثر بر گرایش دختران به رفتارهای نو در بستر جامعه در حال تغییر و تحول میبد پرداخته است. برای این کار ۳۸۴ نفر از دختران دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هر چه میزان فردگرایی افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد. تمام ابعاد متغیر فردگرایی (رقابت‌جویی، منحصربه‌فرد و مسئولیت) با ابعاد مختلف گرایش به رفتارهای نو به جز بعد ارتباط با جنس مخالف دارای رابطه‌ی معناداری بودند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین تمام ابعاد مادی‌گرایی(موفقیت و شادی) و گرایش به رفتارهای نو به جز رابطه‌ی بعد مرکزیت مادی‌گرایی با رابطه‌ی با جنس مخالف رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بنابراین هر چه میزان مادی‌گرایی افراد افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

از دیگر یافته‌های تحقیق این است که بین تمام ابعاد برابرگرایی جنسیتی(برابرگرایی خصوصی و برابرگرایی عمومی) و ابعاد گرایش به رفتارهای نو به جز بعد ارتباط با جنس مخالف همبستگی وجود دارد به طوری که هر چه میزان برابرگرایی جنسیتی، در افراد افزایش یابد، گرایش به رابطه با

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد. نتایج نشان داد که نوجوانان از طریق همنوایی با دوستان به رفتارهای نو گرایش دارند و همنوایی با دوستان در تمام ابعاد گرایش به رفتارهای نو تاثیرگذار است؛ در نتیجه هرچه میزان همنوایی با دوستان در افراد، افزایش یابد، گرایش به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد و یافته‌ی دیگر تحقیق این است که بین بعد نگرشی نوگرایی والدین، با گرایش به رفتارهای نو و ابعاد آن رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. در این میان، بعد مصرفی با بعد ارتباط با جنس مخالف دارای رابطه‌ی معنی‌داری نیست. بنابراین هر چه میزان نوگرایی والدین در ابعاد کنشی و مصرفی، افزایش یابد، گرایش نوجوانان به رفتارهای نو نیز بیشتر خواهد شد.

به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با گذر حدود ۲۰۰ سال از تجربه‌ی مدرنیته در ایران، یعنی از زمان آشنایی آن با غرب همچنان رابطه‌ی سنت و مدرنیته در جامعه‌ی ایرانی به عنوان یک مشکل تلقی می‌شود، ایران امروز دچار دگرگونی‌های زیادی ناشی از مدرن‌گرایی و پیامدهای آن در جامعه و سایر نهادهای اجتماعی است و نشانگر آن است که جامعه‌ی ایرانی تا حد زیادی در راه تجدد پیشرفته است. این تغییرات در حد ظواهر نیست بلکه ساخت‌های اساسی در حال تغییرند؛ از جمله دگرگونی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد. فردگرایی، مادی‌گرایی، برابرگرایی جنسیتی و به دنبال آن بازاندیشی در اعمال و رفتار و کنش‌ها، ناشی از تجددگرایی در افراد بر اساس نتایج تجربی اتفاق افتاده است. تغییر در رفتارهای نوجوانان یکی از نشانه‌ها و مؤلّفه‌های تغییرات گسترده‌ی فرهنگی است که در جامعه‌ی در حال گذار ایران در حال شکل‌گیری است. با توجه به نظرات گیدنز و اینگلهارت به نظر می‌رسد عنصر اصلی و اساسی در گرایش به رفتارهای نو، تغییر در ارزش‌های افراد به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌گیری رفتار افراد و در نتیجه تأثیرگذار بر سمت و سوی تحولات و دگرگونی‌های جامعه است. همچنین وبر، نقش نظام فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارها را بر کنش‌های افراد، مهم و اساسی ارزیابی می‌کند. از دیدگاه وی، انتخاب‌های افراد در جامعه و به تبع آن کنش‌های آنان، متأثر از معنای ذهنی است که افراد تحت تأثیر فرهنگ برای کنش‌های خود قائلند. رهاورد مهم رویکرد وبر، امکان درک تأثیر ارزش‌ها و باورها بر رفتار بشری است. وی معتقد است که ایده‌ها، نیروهای مؤثر در تاریخ هستند(وبر، ۱۳۸۵: ۱۲). به‌طور کلی هر وقت ارزش‌های نوین و عناصر مدرنیته به جامعه‌ای وارد شوند، سنت و هنجارهای پیشین کارایی خود را تا حدی از دست می‌دهند. در این میان دختران نوجوان به لحاظ موقعیت اجتماعی، رفتارهای خود را زودتر با ارزش‌های نوین و معیارهای جدید زندگی سازگار و هماهنگ می‌کنند. گیدنز معتقد است در جوامع مدرن و جوامعی که مدرنیته

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

بدان‌ها راه یافته، رواج فردگرایی، مادی‌گرایی و لذت‌جویی، جریاناتی بیمارگون را گسترش می‌دهد که یکی از مظاهر آن، رواج رفتارهایی است که با هنجارهای سنتی مطابقت ندارد. به نظر گیدنز در اوضاع و شرایط جهانی‌شدن، ما با حرکتی به سمت فردگرایی نوینی روبرو هستیم که مردم ناچارند خویشتن خویش را فعالانه بسازند و هویت‌های خویش را بنا کنند(گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۷۵). همچنین او معتقد است که در جامعه‌ی مدرن، آدم‌ها مدام به خودشان مشغولند و در پرتو معیارها و ارزش‌های مدرن به بازاندیشی و تأمل درباره خودشان می‌پردازند(گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۰۶). یافته‌های تحقیق حاضر نیز نشان داد که ارزش‌های مادی‌گرایی، فردگرایی، بیشترین نقش را در تبیین متغیر گرایش به رفتارهای نوجوانان ایفا کرد. همچنین به‌رغم افزایش فردگرایی، هنوز جایگاه خانواده برای آنان دارای اهمیت است و در عین حال آن‌ها حجم عظیمی از اطلاعات و نگرش‌ها را از همسالان و دوستان خود به‌صورت غیر رسمی فرا می‌گیرند.

نتایج حاصل از گرایش نوجوانان به رفتارهای نو و همچنین نتایجی که از اعتقاد آن‌ها به ارزش‌های مدرن به دست آمد، نشان دهنده‌ی تغییر و حرکتی فرهنگی است. به هر صورت نتیجه‌ی کلی گویای آن است که تجددگرایی و مدرنیزاسیون امواجی هستند که بر ما وارد شدند و چه بخواهیم و چه نخواهیم، باید تغییر در باورها و ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی و ساختار جامعه را بپذیریم و بتوانیم سنتزهای مناسب با آن را در جامعه ایجاد کنیم و در حقیقت به قول گیدنز فرآیند مدرنیته به سان شمشیری دولبه است که یک لبه‌اش مثبت و لبه‌ی دیگرش منفی می‌باشد و تلاش جوامع جنوب باید این باشد که نیمه‌ی پر لیوان را ببینند و راهکارهایی در این مورد بیندیشند. با توجه به تجربیات به‌دست‌آمده در پژوهش، اهتمام جدی خانواده‌ها، اولیای مدرسه و مسؤولین نهادهای فرهنگی و تربیتی مرتبط با نوجوانان نسبت به حساسیت‌های دوران بلوغ و برخورد محبت‌آمیز و غیرتحمیلی با آنان و دوری از برداشت و تفسیر تنگ‌نظرانه از فرهنگ و جوانی و تحمیل آن با اعمال زور و نظم از بالا به نوجوانان، تا موجبات دلزدگی از فرهنگ خودی و عناصر آن برای نوجوانان فراهم نشود و همچنین تهیه و تدوین طرح و برنامه‌های جامع و کامل در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نظیر هنر، موسیقی، فیلم، ورزش و الگوهای ارتباطی متناسب با سلیقه‌ی نوجوانان با مهیاساختن بستر برای مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

**منابع**


۱. آزاد ارمکی، تقی، اکبری، حامد. (۱۳۹۱). فهم ماهیت جامعه‌ی ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان. *فصل‌نامه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۱(۲)، ۱-۲۲.

۲. ازکیا، مصطفی، غلامرضا، غفاری. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.

۳. احمدی، بابک. (۱۳۷۷). **معمای مدرنیته**. تهران، نشر مرکز

۴. اعتضادی، شیدا، علمدار، فاطمه سادات. (۱۳۸۷). *تحلیل جامعه شناختی زبان مخفی در بین دختران. مطالعات راهبردی زنان*، (۴۱)، ۶۵-۹۶.

۵. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه‌ی یعقوب احمدی. تهران: کویر.

۶. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷) «**نوسازی و پسانوسازی**»، ترجمه‌ی علی مرتضویان. **فصل‌نامه‌ی ارغنون**، *مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، (۱۳)، ۱-۳۳.

۷. بیرو، آلن (۱۳۶۶) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان.

۸. پرستش، شهرام (۱۳۸۷) «تجربه‌ی امر مدرن. *خردنامه‌ی همشهری*»، **ویژه‌نامه‌ی مطالعات فرهنگی**، (۲۸): ۴۲-۴۵.

۹. تورن، آلن (۱۳۸۲) «**ایران در جریان فرآیند مدرنیزاسیون قرار دارد**»، **روزنامه‌ی همشهری**، ویژه‌نامه‌ی نوروز.

۱۰. جهانبگلو، رامین (۱۳۸۱) **موج چهارم**، تهران: نشر مرکز

۱۱. خواجه نوری، بیژن، دل‌آور، مریم السادات (۱۳۹۲) «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی‌شدن»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و سوم(۲)، (پیاپی۴۶)، ۴۱-۴۶.

۱۲. دهقانی، حمید، هاشمیان‌فر، علی و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴) «نگرش سیاسی-اجتماعی نوگرایی دانشجویان و تاثیر خانواده و دانشگاه بر آن»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال۲۶(۳)، ۳۹-۵۶.


[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

۱۳. ذاکریان، ملیحه، پرهیزکار اکبر (۱۳۸۹) «توسعه‌ی پایدار شهری(مطالعه‌ی موردی: شهرهای استان یزد)»، **فصل‌نامه‌ی جغرافیایی سرزمین**، سال هفتم(۲۵)، ۹۳-۱۰۳.

۱۴. زارع شاه آبادی، اکبر، حاجی‌زاده میمندی، مسعود و کرم‌پور، علی (۱۳۹۱) «عوامل مؤثر بر نوگرایی در بین جوانان شهر شوشتر»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، سال ۳(۸)، ۹۹-۱۲۰.

۱۵. سفیری، خدیجه، اجبارنژاد، سمیرا و حاتمی، علی (۱۳۹۴) «بررسی رابطه‌ی گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان(مورد مطالعه: زنان جوان ۱۵تا ۲۹ساله شهر تبریز)»، **فصل‌نامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی**، (۲۴)، ۱-۴۴.

۱۶. سراج‌زاده، سیدحسین، جواهری، فاطمه (۱۳۸۵) «برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، ۷(۲)، ۳-۴۰.

۱۷. شاه ناصری، شادی (۱۳۸۳) «هنجارهای واژگانی در تعاملات کلامی دختران نوجوان»، **مجله-ی متن‌پژوهی ادبی**، (۲۲۸)، ۲۰-۲۱۱.

۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴) **فرهنگ علوم رفتاری**، تهران: امیرکبیر.

۱۹. صدیقیان بیدگلی، آمنه، روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۹۲) «بررسی میزان نوگرایی زنان دبیر دبیرستان‌های شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن»، **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**، (۴)، ۱۰۵-۱۳۷.

۲۰. علوی‌زاده، سید امیر (۱۳۸۵) «بررسی چگونگی و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر»، **فصل‌نامه‌ی جمعیت**، (۶۳و۶۴): ۶۱-۸۳.

۲۱. فرهمند، مهناز، جواهرچیان، ندا و هاتفی‌راد، لیدا (۱۳۹۳) «جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی(مورد مطالعه، جوانان شهر یزد)»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی‌شدن**، ۵(۱۴)، ۱۷۵-۲۰۴.

۲۲. گولد، جولیوس، کولب، ویلیام ل (۱۳۷۶) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: مازیار.

۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) ***تجدد و تشخص***، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۲۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) **پیامدهای مدرنیت**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]

۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) **معنای مدرنیت، گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز**، ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی، تهران: کویر.

۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.

۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) **فراسوی چپ وراست**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

۲۸. محمدپناه، امیرحسین، ودیعه، ساسان و صبوری، حبیب (۱۳۹۴) «بررسی رابطه‌ی تجددگرایی و سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌های شهر سنندج»، **دوفصل‌نامه‌ی پژوهش‌های انتظامی- اجتماعی زنان و خانواده**، ۳(۱)، ۸۲-۱۰۴.

۲۹. ملکات، سرینیواس آر (۱۳۸۴) «نظریه‌های ارتباطات توسعه»، ترجمه‌ی یونس شکرخواه. **فصل‌نامه‌ی رسانه**، سال شانزدهم، شماره پیاپی ۶۴.

۳۰. وبر، ماکس (۱۳۸۵) **دین، قدرت، جامعه**، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: هرمس.

۳۱. نیازی، محسن، شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۴) «تبیین رابطه‌ی میزان نوگرایی و مصرف کالاهای فرهنگی(مطالعه‌ی موردی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی شهرستان کاشان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱)»، **پژوهش‌نامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال۶(۲): ۱۷۱-۱۸۸.

۳۲. همایون مصباح، حسین (۱۳۸۸) «نوسازی راهی به سوی توسعه و شکوفایی»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی اسلامی**، (۷۸-۷۷)، ۲۵۱-۲۸۰.

33. Inglehart, R(1977). *The Silent Revolution: Changing Values and Political Styles among Western Publics*, Princeton: Princeton University press.

34. Inglehart, Ronald (1997). *Modernization and Post modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies***.** Princeton: Princeton University Press.

35. Enkeles, A. (1976). *Become Modern: Individual Change in six Developing Counties, Massachuset:* Harvard University press.

36. Inkeles, Alex; Smit, David H(1974)**.** *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries* , Cambridge : mass, Harvard university Press.

37. Kahle, L.R; Kau, A; Tambyan, S; Tan, S ; K, Jung (2005). *Religion, Religiosity, and Values, Implication for Consumer Behavior*, in Haugtredt, c.p, Merunka, D. and Warlop, l.(Eds), the la londa Seminar, 32nd International research Seminar in Marketing, La Londa- les- Maures: 245-259.

38. Mehta, Shalina(2010). "*Commodity Culture and Porous Socio-Religious Boundaries: Muslim Women in Delhi*", South Asia Research, Vol. 30, No.1: 1-24.

39. Sharma,S;M Sharma *(2010)* "*Globalization ,threatened identities , coping and well - being , psycho stud* , Vol.55, No.4:322-313

[ Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20 ]